

بسم الله الرحمن الرحيم

مسجدالاقصى و طرح يهودسازى قدس؛ مسئوليت مسلمانان چيست!؟

(ترجمه)

در بخش گذشته به طور كلى پيرامون شكست و ناكامى غرب در راستاى مبدل‌سازى رژيم يهود به يك بدنه مورد پذيرش در محيط مسلمانان صحبت رانديم. در ادامه مبحث به اقدامات يهود نسبت به قدس و مخصوصاً نسبت به مسجدالاقصى و تلاش‌هاى آن براى يهودسازى آن دو و ناكامى اين تلاش‌ها مى‌پردازيم؛ اما قبل از آن مى‌خواهيم كه اكاذيب و دروغ‌هاى يهود و مسيحيان را قبل از آن‌ها خاطر نشان سازيم؛ به خصوص دروغ‌هايى كه مربوط به بيت المقدس و مسجدالاقصى مبارك مى‌باشد. چيزى را كه نبايد فراموش كرد و آن اين‌كه: تلاش يهود در دروغ و ادعاى آن عليه بيت المقدس و مسجدالاقصى مقدم بر دروغ‌هايى بود كه مسيحيان صليبي درباره اماكن مقدس از نزد خود ساخته و پرداخته بودند تا صفوف شان را متحد سازند، جنگ‌ها و نبردها را به خارج از اروپا تغيير جهت دهند و كليساي شرقى و غربى را متحد سازند. اين دروغ‌ها را پاپ‌ها و مبلغان بزرگ اروپا مانند: پاپ گريگورى هفتم، پاپ اروبان دوم و پيترس گوشه‌نشين رهبرى مى‌كردند و مسيحيان در اين دروغ‌ها، جنبش صهيونيست زاده صليبي را دنبال كردند؛ اما با شعارهاى ديگر و دروغ‌هاى جديدي؛ به منظور اين‌كه اهداف سياسى اين جنبش را كه با بزرگان سياسى اروپا طرح كرده بود، به پيش ببرند.

برخى از شعارهايى كه يهود و مخصوصاً جنبش صهيونيست در برابر قدس و اماكن دينى بخاطر تشويق هجرت بسوى آن از نزد خود ساخته و پرداخته بودند قرار ذيل اند:

- 1- جنبش صهيونيست نام خود را از ديده‌گاه مذهبى و دينى مرتبط به كوه صهيون در قدس برگزيد. بنا بر ادعاى يهود، صهيون نام برگرفته شده از تورات بوده و اسم سنتى و مترادف با شهر قدس و سرزمين اسرائيل مى‌باشد. بر حسب دروغ‌هاى شان اين نماد آرزوى يهود براى بازيابى سرزمين ملي، تاريخى و سرزمين اسرائيل مى‌باشد و پيروانان اين جنبش ادعا دارند كه هرگونه زندگى براى يهود در خارج از صهيون، تبعيد به‌شمار مى‌رود؛ چنانچه اين سخن را موشيه هيس در كتابش «روما و اورشليم القدس» خاطر نشان ساخته است.
- 2- در اولين كنفرانس صهيونيست در شهر بازل سويس در سال 1897م يهود گام‌هاى عملى براى تاسيس رژيم صهيونيستى برداشت و چارچوب آنرا مشخص كرد؛ آن‌هم با استناد به كتاب تورات، تلمود و پروتكل‌هاى بزرگان صهيون. صهيونيست‌ها اين دروغ‌ها را در كنفرانس شان در كتاب «دولت يهود» متبلور كردند. دعوت‌گران صهيونيست تلمودى نقش بيت المقدس را در اين مرحله به عنوان يك نام مذهبى و دينى براى جلب و آوردن مهاجرين جديد به فلسطين برجسته كردند.
- 3- رهبران يهود كه امتداد حركت صهيونيستى هستند، ارتباط بازگشت خود به بيت المقدس را از ديد عقيدتى و مذهبى بيان داشتند. ديويدي بن گوريون اولين نخست وزير رژيم شان در سال 1948م گفت: «اسرائيل بدون قدس هيچ ارزشى ندارد... و قدس هم بدون هيكل (معبد بزرگ) هيچ ارزشى ندارد.» موشيه ديان وزير دفاع رژيم يهود در جنگ سال 1967م وقتى كه به ديوار البراق رسيد، گفت: «ما به مقدس‌ترين اماكن خود برگشته ايم و ديگر هرگز تركش نخواهيم كرد.» اما جنرال گورن رئيس علماء دينى يهود در ارتش رژيم يهود بعد از آنكه در سال 67م مسجدالاقصى را اشغال كرد، در صحن آن نماز خواند و خواهان ايجاد كنيسه‌اى شد. لوى اشكول نخست وزير رژيم اشغالگر يهود، در سال 1967م در هنگام اشغال قدس گفت: «شوق بازگشت يهود به قدس نسبت به دو سال قبل از اشغال قدس شرقى در جنگ 1967م بيشتر شده است.»
- 4- صهيونيست‌هاى يهودى اصطلاح مذهبى دروغينى را به نام «سرزمين موعود» يعنى سرزمينى كه الله براى شان وعده داده است را برگزيدند. ادعا دارند كه اين وعده تورات است و هدف شان جلب توجه يهوديان بسوى قدس و مهاجرت و تبعيت از آن مى‌باشد، از جمله دروغ‌ها و تهمت‌هاى آن‌ها در اين موضوع: آن‌چه كه بنا بر ادعاى شان در سفر تكوين آمده است: «.. و پروردگار براى ابرام گفت: سرزمين- قوم و پدريت را رها كن و بسوى سرزمينى برو

که رهنمایت خواهد کرد.» و دروغ‌های سرزمین موعود از زبان‌های سیاسیون یهود و افراط‌گرایان مذهبی شان نیز نقل شده است. مؤیرکها‌نا می‌گوید: «سرزمین موعود را یهود با اشک و خون تصرف کرده است و این سرزمینی‌ست که زیادت را می‌پذیرد اما تجزیه و تقسیم را نمی‌پذیرد.»

این‌ها برخی از دروغ‌هایی بود که توسط رهبران جنبش صهیونیستی و رهبران تشکیلات یهودی و علماء دینی یهود به‌منظور تشویق یهودیان به مهاجرت بسوی بیت‌المقدس به عنوان مقدمه‌ای برای تأسیس رژیم مسخ‌شان ساخته و پرداخته شده بود. این کار به‌منظور تشویق یهود با یک کمپاین جهانی همراه شد که حتی تا به امروز ادامه دارد. همچنین این امر با کمپاین فشار بر یهود نیز همراه شد که رهبران جنبش صهیونیست همراه با رهبران غرب در بریتانیا، فرانسه و آلمان و در بسیاری از کشورهای اروپایی شرقی در نظام کمونیسم، یکجا با هم در آن کمپاین همکاری و توطئه کردند. گاهی اوقات اقدامات‌شان بصورت قتل و تروریست سازمان‌دهی شده از سوی جنبش صهیونیست علیه یهود ظاهر می‌گشت تا آنان را مجبور به مهاجرت کنند. عین نمایش و وضعیت در کشورهای عرب که در اطراف فلسطین قرار داشتند، موجود بود. از نشانه‌های این اقدامات جنبش صهیونیست علیه یهود را یکی هم این گفته عوسیف کاسیف نماینده اسبق کنست را می‌توان یادآور شد: «جنبش صهیونیستی در کشورهای عربی جنایاتی را مرتکب شد تا یهودیان را به مهاجرت از آنجا برانگیزد.» وی افزود: «در سال‌های اخیر، علایم و نشانه‌های زنده‌ای مبنی بر دست داشتن جنبش صهیونیستی در آزار و اذیت رساندن یهودیان برای بیرون راندن از آنجا فاش و نمایان گشته است.» این امر فقط منحصر به مرزهای کشورهای عربی نمی‌شد؛ بلکه جنبش صهیونیستی بخاطر مهاجرت یهودیان با نازی‌های آلمان نیز همکاری نمود. حایم لاندو یکی از رهبران گروه هاگانا و یکی از اعضاء کنست در نشست که در سال 1966م در تل‌آویب برگزار شد، گفت: «دستگاه اجرایی و محرک جنبش صهیونیست از نسل‌کشی مطلع بود، در حقیقت رهبران دستگاه تنها که خاموشی برگزیدند؛ بلکه سایر کسانی‌که این کار را انجام دادند را نیز ساکت نمودند.»

اهداف جنبش اول صهیونیست در آوردن و جلب یهود از اماکن مختلف چنانکه ادعا می‌کنند محقق شد و مرحله دوم در راستای بر آوردن ساختن اهدافش در تخلیه شهرها از باشندگان و سیطره بر شهر قدس و یهودسازی آن روی کار آمد، اقدامات یهود در راستای این کار به اشکال زیادی ظاهر گشت و یهودسازی قدس مقدمه بود برای یهودسازی مسجداً اقصی مبارک و برای ساختن معبد بزرگ مورد نظرشان؛ چنانکه علماء دینی یهود و اعضای جنبش صهیونیست ادعا می‌کنند.

اقدامات عملی یهود در راستای یهودسازی قدس و کتمان ویژگی‌های اسلامی آن از سال 1948م. آغاز شد و از زمان اشغال کامل آن در سال 1967م تشدید یافت، و این اقدامات در گام‌ها و نقشه‌های متفاوت و جدیدی روی کار آمد، که برخی از آنان قرار ذیل اند:

1- حذف نام قدیمی از نواحی اداری یهود و از رسانه‌های جمعی و در عوض آن بکارگیری اسم تحریف شده (أورشلیم)؛ این اسم تحریف شده نام باستانی کنعانی أورشلیم به معنای شهر صلح می‌باشد و حال آنکه در تمام اعصار اسلامی نام اصلی در کتب و ادبیات اسلامی و در تقسیم بندی نواحی؛ قدس و بیت المقدس بوده است. یهود فقط به این تسمیه عام اکتفاء نکرد؛ بلکه به حذف و تحریف بسیاری از اسامی پرداخت و در عوض آن‌ها اسامی تاریخی و مذهبی یهودیت را برگزید.

2- یهودسازی سرزمین قدس از خانه‌ها شروع تا به املاک و نواحی اطراف آن. طرح یهودسازی در هزاران دونم مساحت از سرزمین قدس که در سال 1948م اشغال شده بود عملی گشت و سپس به رژیم یهود ملحق گردید؛ دونم عبارتی است از نواحی اطراف بیت‌المقدس، مخصوصاً از سمت غرب. همچنین بسیاری از املاک و مدارس اسلامی و مسیحی به تصرف یهود در آمد و به مساکن و معابد یهودی مبدل گشت.

3- یهودسازی باشندگان قدس: ضمیمه‌سازی قدس به رژیم یهود اعلان گردید، کنست پس از اشغال أورشلیم به تاریخ 27 ژوئن 1967م. تصمیم به ضمیمه‌سازی أورشلیم گرفت. و به دستور شماره 2064 بیت‌المقدس شرقی به یک نهاد سیاسی و اداری یهودی ضمیمه شد. و متن قطعنامه از این قرار بود: «أورشلیم متحد- نواحی غرب و شرق- پایتخت اسرائیل»، کنست در سال 1980م. قطعنامه دیگری را صادر کرد که در آن؛ تنها پایتخت شان أورشلیم تذکر داده

شده بود! بدنبال این قطعنامه‌ها، یهود برای بیرون راندن مسلمانان از اورشلیم و نواحی آن از هیچ نوع تلاشی دریغ نوزید و در عین حال؛ یهودیان را از بیرون به داخل قدس فرا می‌خواند و تشویق شان می‌کرد و برای باشندگان آن امتیازات خاصی قایل می‌شد.

4- آزار و اذیت سازماندهی شده و مستمر و عدم اجازه دهی مسلمانان به ساخت و ساز در داخل شهر. علاوه بر این یهود بالای مناطق و نواحی شهر فشار وارد می‌کرد تا ساکن آنرا بکلی بیرون رانده و آنرا به مناطق یهودی‌نشین مبدل سازد. اما نسبت به شهر تاریخی و قدیم؛ یهود حتی از ترمیم و بازسازی بناها و ساختمان‌ها منع می‌کرد و به هیچ وجه اجازه ساخت و ساز جدید را نمی‌داد.

این‌ها اقدامات کلی پیرامون یهودسازی قدس بود و در بخش بعدی ادامه مبحث یعنی یهودسازی مسجدالاقصی و تلاش‌های یهود در راستای آنرا این شاء الله به بحث خواهیم گرفت. ادامه دارد...

نویسنده: استاد حمد طبیب

مترجم: محمد مزمل